

تنفر از فقر

از منطقه امن زندگی (فقر) بترسیم تا ثروتمند شویم

نویسنده

امیرحسین ارشد

فهرست

..... ما تصمیم میگیریم که ثروتمند شویم ولی شرایط زندگی فقیرانه عادت ما شده است .

..... تفاوت زندگی ثروتمندانه با فقیرانه را نمی دانیم .

..... زندگی فعلی ما واقعیت ما است. ما باید با تمام وجود از فقر بترسیم .

..... اعتیاد عوارض خطرناک ناشی از فقر و تنگدستی.....

..... تن فروشی لذت نیست و عوارض فقیر بودن است.....

..... کارتن خوابی بزرگترین ظلم فقر در حق یک خانواده.....

..... اگر ثروتمند شدن را انتخاب نکنید، باید برای یک فرد ثروتمند کار کنید.....

..... گدایی عوارض دیگر فقر که کمر و غرور انسان را لگد مال می کند.....

..... جمع بندی و نکات آخر در مورد فقر.....

ما تصمیم میگیریم که ثروتمند شویم ولی شرایط زندگی فقیرانه عادت ما شده است.

ما میخواهیم ثروتمند شویم. ما اهدافی داریم که با تمام وجود مایل هستیم که به این اهداف برسیم. ما آرزوهایی داریم که دوست داریم به دست بیاوریم. دستیابی به آرزوهایمان زندگی ما را بهتر می کند، این حرفی است که شما میزنید ولی از شرایطی که در حال حاضر در حال تجربه کردن هستید، راضی هستید و این شرایط را به عنوان واقعیت قبول می کنید.

شما دو انتخاب داریم، یا ثروتمند می شوید یا در شرایط مالی فعلی می مانید و پیشرفتی نمی کنید.

حالا با این شرایط چه کاری باید انجام دهیم، چون شرایط فعلی ما قابل قبول است یعنی اگر ثروتمند نشویم، چیزی را از دست نمی دهیم و اگر ثروتمند شویم زندگیمان تغییر می کند.

- ما ثروتمند نمی شویم چون ترسی از ثروتمند شدن نداریم.
- ما هیچ وقت ثروتمند نمی شویم چون شرایط فعلی خودمان را قبول کردیم.
- ما ثروتمند نمی شویم چون این زندگی را به عنوان واقعیت قبول کردیم.

پس با این شرایط ثروتمند شدن غیر ممکن است.

• برای مثال: ما اگر از بلندی بترسیم، دیگر هیچ وقت در بلندی قرار نمی‌گیریم. ما اگر از مسموم شدن بترسیم، هیچ وقت میوه خراب شده را نمی‌خوریم.

فقر هم همینطور است. ما اگر از فقر نترسیم، هیچ وقت ثروتمند نمی‌شویم. ما اگر از فقر متنفر نباشیم، هیچ وقت ثروتمند نمی‌شویم. ما اگر از شرایط فعلی زندگی نترسیم، هیچ وقت برای ثروتمند شدن قدمی بر نمی‌داریم.

تفاوت زندگی ثروتمندانه با فقیرانه را نمی‌دانیم.

ما آرزوهای خودمان را در ذهنمان مرور می‌کنیم و از طرفی زندگی فعلی خودمان را هم بررسی می‌کنیم.

بعد از این بررسی‌های انجام شده، پی می‌بریم که اگر به آرزوهای خودمان برسیم، حس فوق العاده‌ای را تجربه می‌کنیم.

- چون می‌توانیم هر آنچه که دوست داریم را بخریم.
- هر کاری که دوست داریم را انجام دهیم.
- پولمان را سرمایه‌گذاری کنیم تا چند برابر سود کسب کنیم.
- کسب و کارمان را راه اندازی کنیم تا پول برای ما کار کند.
- به کشورهای مختلف سفر کنیم.
- انواع تفریحات را تجربه کنیم.
- به رستوران‌های مختلف برویم.

ولی اگر به آرزوهای خودمان نرسیم، در همین شرایط فعلی دست و پا میزنیم و مشکل اینجا است، که شرایط فعلی ما راضی کننده است و ما هم ترسی از نرسیدن به آرزوهای مان و ثروتمند شدن نداریم.

با خودمان نمی گوییم، ما در زمان حال در این شرایط هستیم، یا می توانیم پیشرفت کنیم و ثروتمند شویم یا همین زندگی را ادامه می دهیم.

ما باید مایل باشیم که واقعیت زندگی خودمان را تغییر دهیم و در ادامه با انجام کارهای خاصی و با تغییر شیوه تفکر، می توانیم به صورت تکاملی زندگی مالی خودمان را تغییر دهیم.

زندگی فعلی ما واقعیت ما است. ما باید با تمام وجود از فقر بترسیم

شرایط فعلی زندگی ما نمی تواند کمکی در ثروتمند شدن ما بکند. تا ما از فقر متنفر نشویم، نمی توانیم ثروتمند شویم.

تنفر از فقر و ترس از فقیر شدن و فقیر ماندن با ارزش ترین ترس زندگی است. این موضوع در حدی مهم است که ما در سایت خودمان یعنی سایت یوفکر محصولی هم برای تنفر از فقر ساختیم.

ما باید همیشه مواردی را بررسی کنیم که اگر ثروتمند نشویم، چه شرایطی منتظر ما است و در زندگی ما نمایان می شود.



اعتیاد عوارض خطرناک ناشی از فقر و تنگدستی

چرا درصد اعتیاد در کشور ما زیاد شده است. آیا به خاطر علاقه به مواد مخدر است یا به خاطر تفریح کردن. نه تنها دلیل فقر است.

شخصی که نمی تواند نیاز های زندگی خودش را تامین کند، دیگر امیدی برای زندگی کردن ندارد و یکی از انتخاب هایش برای ادامه زندگی، اعتیاد است.

با این انتخاب سعی بر این دارد که حداقل با این شرایط، سختی زندگی را کمتر تحمل کند.

با این انتخاب سعی بر این دارد که فشاری که زندگی بر او وارد می کند را قابل تحمل کند.

البته اعتیاد را نمیتواند تنها راه حل انتخاب کرد ولی متأسفانه افرادی این انتخاب را تنها راه حل برای تحمل مشکلات در نظر می گیرند. بله اعتیاد یکی از مشکلاتی است که از فقر و نداری و کمبود پول به دست می آید.

حالا انتخاب با ما است. فقر را انتخاب کنیم یا ثروت؟ اگر هنوز فقر را انتخاب می کنیم پس ادامه کتابچه را از دست ندهید.



تن فروشی لذت نیست و عوارض فقیر بودن است

تن فروشی مسئله ای است که واقعا نوشتن در مورد آن بسیار سخت است. عوارض دیگر فقر و کمبود پول در زندگی، تن فروشی است. تن فروشی هیچ دلیل دیگری ندارد و چرا باید یک بانو محترم، تنها انتخابش تن فروشی باشد. باز هم باید با قلمم بنویسم که تن فروشی را نمی توان تنها انتخاب قرار داد ولی هستند کسانی که این انتخاب را برای پول بیشتر مد نظر قرار می دهند. ما باید از زندگی لذت ببریم و تفریح داشته باشیم ولی مسئله تن فروشی، برای لذت و تفریح نیست و تنها دلیلش فقر است.

- یک خانم محترم، در فقر گرفتار شده است.
- نمی تواند نیاز های خودش را تعمین کند.
- شاید هم نمی تواند نیاز های خانواده اش را تامین کند.

در این شرایط و گرسنگی و نداری تنها راهی که به ذهنش خطور می کند، همان مسئله ای است که دوست ندارم با قلمم بنویسم.

فقر و کمبول پول، باعث می شود که این خانم به این شرایط گرفتار شود. حالا انتخاب با ما است. فقر را انتخاب کنیم یا ثروت؟ اگر هنوز فقر را انتخاب می کنیم پس باز هم ادامه کتابچه را از دست ندهید و همچنین در محصول سایت یوفکر هم به صورت کامل این موارد را بررسی کردیم.



کارتن خوابی بزرگترین ظلم فقر در حق یک خانواده

عوارض دیگر فقر، کارتن خوابی است. بله فقر یعنی این موارد. کارتن خوابی به دلیل نداشتن خانه.

نداشتن خانه به دلیل نداشتن پول.

متأسفانه واقعا این موارد ناراحت کننده است و ما باز هم انتخابمان زندگی فعلی است و فقر و زندگی متوسط مالی را اولویت و واقعیت زندگیمان قرار دادیم.

در کشورمان هستند کسانی که در پارک ها و در کارتن می خوابند. و باز هم باید بنویسم که تنها انتخاب نمی تواند کارتن خوابی باشد ولی اگر پول نداشته باشیم:

- نمیتوانیم خانه ای را بخریم.
- نمی توانیم خانه ای را رهن کنیم.

• نمیتوانیم خانه ای را اجاره کنیم.

وای به روزی که خانواده هم در کنار ما با فقر دست و پنجه نرم کنند. تصور کنید و خودتان را جای کارتن خواب هایی که انتخابی جز این موارد ندارند، بگذارید.

واقعا دردناک است، مخصوصا وقتی که خانواده همراه ما باشد.

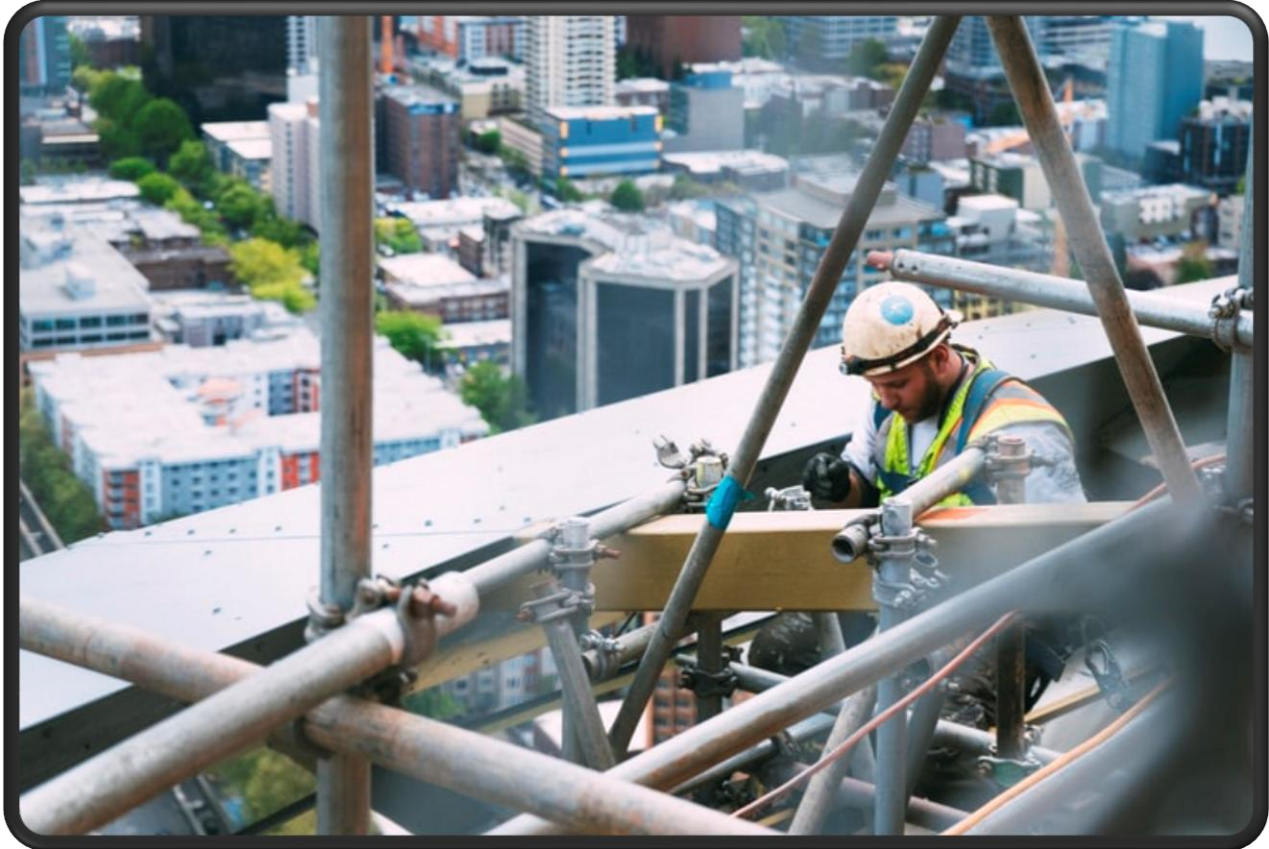
• گرسنگی و تشنگی خانواده یک طرف.

• نیاز های خانواده یک طرف.

• از آن طرف خوابیدن در کارتن.

خانواده و تمام مردم کشورمان لیاقت بهترین ها را دارند ولی متاسفانه این مشکلات گفته شده که با قلمم نوشتم، واقعیت زندگی خیلی از افراد جامعه است.

باز هم نمی خواهید ثروتمند شوید و شرایط فعلی زندگی خود را به عنوان واقعیت قبول کرده اید.



اگر ثروتمند شدن را انتخاب نکنید، باید برای یک فرد ثروتمند کار کنید

درسته شما خودتان می توانید ثروتمند باشید و کسب و کاری داشته باشید و درآمدزایی کنید.

شما می توانید ثروتمند باشید و حتی بدون هیچ کاری پول برای شما کار کند و هر روز به حسابتان واریز شود.

ولی شما شرایط فعلی زندگی را انتخاب می کنید و نیاز به تغییر را در خود نمی بینید و می گوئید که اگر ثروتمند نشوم هم، چیزی را از دست نمی دهم.

با این انتخاب شما باید برای یک فردی که ثروتمند شدن را انتخاب کرده و از فقر متنفر شده، کار کنید.

آن فرد با تمام وجود از فقر و تنگ دستی می ترسیده، در حدی می ترسیده که حتی کلمه فقر هم بدنش را به لرزه می انداخته و با این میزان ترس، تنها انتخابی که می توان کرد، ثروتمند شدن است.

شما باید با شکستن پل های پشت سر و سوزاندن کشتی و قایق ها، ثروتمند شدن را انتخاب کنید.

داستانی که ناپلئون هیل در کتابش نوشته بود.

فرمانده جنگی که تمام قایق هایی که با آن به جزیره ای آمده بودند را آتش زد و به سربازانش گفت، ما دیگر راه عقب نشینی نداریم و تمام قایق ها هم آتیش زدیم، پس تنها راه زنده ماندن ما این است که در این جنگ پیروز شویم. ما باید پیروزی را انتخاب کنیم یا مرگ و در آن جنگ هم پیروز شدیم.

چون آن فرمانده و سربازان از مرگ می ترسیدند و این ترس باعث شد که پیروز شوند چون عدم پیروزی مرگ بود.

شما هم باید مثل سربازان در این حد از فقیر ماندن بترسید که تنها انتخابتان پیروزی یا ثروتمند شدن باشد.



گدایی عوارض دیگر فقر که کمر و غرور انسان را لگد مال می کند.

گدایی یعنی لگد مال کردن غرور یک انسان. یکی از اتفاقات بد زندگی همین است که انسان به جز لگد مال کردن غرورش، انتخابی نداشته باشد.

بله فقر انسان را به گدایی وادار می کند.

باز هم می توان گفت که گدایی هم تنها انتخاب نیست ولی افراد همه توانایی ثروت سازی ندارند که با هیچ پولی و با توانایی هایشان کسب درآمد کنند.

هستند کسانی که توانایی ندارند و گرسنه هستند. خانواده گرسنه ای دارند و اجاره عقب افتاده ای دارند و تنها انتخابشان گدایی است. فقر یعنی بدبختی و این فرد با بدبختی زندگی می کند و گدایی می کند تا یک غذای ساده را برای خانواده اش تامین کند.

با این اوضاع باز هم انتخاب ما فقر است. نمی خواهیم تغییر کنیم. نمی خواهیم واقعا چرا باید این شرایط را به عنوان تنها انتخاب قبول کنیم؟

یک نکته مهم: این کتابچه را ننوشتیم تا خواننده را ناراحت کنم. هدف من ناراحت کردن شمایی که در حال مشاهده این کتاب هستی، نیست. شما با ارزش هستید ولی باید از فقر متنفر شوید تا به سمت ثروتمند شدن قدم بردارید. تنها هدفم شناسایی و معرفی تعداد کمی از عوارض فقر و فقر بودن است.

برای مثال: شخصی را در نظر بگیرید که تصمیم میگیرد ثروتمند شوم ولی شرایط فعلی زندگی، نقطه امن زندگیش شده است. یعنی قدم برداشتن و خارج شدن از منطقه امن زندگی برایش سخت است.

اگر بخواهد در هر زمینه ای تغییر کند ذهنش هشدار می دهد که در همین منطقه امن خودت بمان و تغییر نکن.

خارج شدن از آن منطقه امن، کار هر کسی نیست و اراده می خواهد.

این کتابچه را برای این نوشتن چون خودم یعنی امیرحسین ارشد، پی بردم که تا از فقر متنفر نشوم نمیتوانم ثروتمند شوم.

تکنیکی در NLP یا برنامه ریزی عصبی کلامی وجود دارد به نام اهرم رنج و لذت. این تکنیک بیانگر این مسئله است: انسان ها هر کاری را برای فرار از رنجی و رسیدن به لذتی انجام می دهند.

شما غذا می خورید تا از رنج گرسنگی فرار کنید و به لذت سیر بودن برسید. شما ورزش می کنید تا از رنج چاقی خلاص شوید و به لذت خوش اندامی برسید.

و شما هم باید یک اهرم رنج و لذت برای فقر درست کنید. ولی آیا شرایط فعلی شما را میتوان رنج زندگی شما انتخاب کرد.

آیا من از شرایط فعلی خودم رنج می برم تا مایل باشم کارهایی را انجام دهم تا به لذت برسم؟

پس این کتابچه را برای این نوشتن تا:

- از فقر متنفر شویم.
- از فقر رنج ببریم.
- به فقر احساس بدی داشته باشیم.
- از تجربیات و شرایط زندگی فعلی، ناراضی باشیم.

و بعد تصمیم میگیریم که با انجام دادن کارهایی به آن لذت برسیم.

شاید شما در زمان حال به این درجه از فقر نرسیده باشید ولی با عوارض فقر آشنا می شوید و سعی بر این دارید که به این افراد کمک کنید.

ولی این موارد را یادتان باشد، وقتی تصمیم میگیرید که به فقیری کمک کنید، خودتان در دسته افراد فقیر نباشید.

متاسفانه و طبق نظر شخصی، درآمد زیر ۵ میلیون در کشور ما زیر خط فقر است پس سعی کنیم که به درآمد بالای ۵ میلیون در ماه برسیم و بعد به افرادی که زیر ۵ میلیون درآمد دارند کمک کنیم.

جمع بندی و نکات آخر در مورد فقر

شما اگر توانایی شنا کردن نداشته باشید، هیچ وقت در یک استخر ۳ متری شیرجه نمیزنید، برای اینکه از غرق شدن می ترسید.

ولی اگر یک تیوپ بادی داشته باشید، آسوده خاطر هستید و هیچ وقت تصمیم نمی گیرید که شنا کردن را یاد بگیرید، چون می دانید که غرق نمی شوید و در هر آبی و با هر عمقی، با آن تیوپ بادی میتوانید شنا کنید.

سعی کنید که در زندگی آن تیوپ بادی را از بین ببرید و با تمام وجود از غرق شدن بترسید. وقتی تیوپ بادی را از بین ببرید و از غرق شدن هم بترسید، تنها انتخاب شما یاد گرفتن شنا است.

پس با تمام وجود تصمیم میگیرید که شنا کردن را یاد بگیرید چون دوست ندارید که غرق شوید.

شرایط فعلی زندگی و منطقه امن زندگی، همان تیوپ بادی است و با این کتابچه و محصولی که در سایت یوفکر تولید کردم، تصمیم گرفتم که آن تیوپ بادی زندگی خودم و افرادی که در حال مطالعه این کتاب هستند را از بین ببرم.

با تمام وجود از فقر بترسیم تا ثروتمند شویم.